



در این جنگ تجاری، ایالات متحده فقط یک "ببر کاغذی" است.



وانگ لی هوا  
سرهنک ارتش آزادی بخش خلق چین  
گائو زی کای  
استاد برجسته دانشگاه سوژو، معاون مدیر اندیشکده جهانی سازی (CCG)  
لی بوپژوهشگر مؤسسه تحقیقات استراتژیک توسعه شانگهای چونچو

ترجمه [مجله جنوب جهانی](#)

در این جنگ تجاری، ایالات متحده فقط یک "ببر کاغذی" است.

چگونه با جنگ تجاری ترامپ مقابله کنیم - اندیشه مائو تسه تونگ

وانگ لی هوا

سرهنگ ارتش آزادی بخش خلق چین

گائو ژی کای

استاد برجسته دانشگاه سوژو، معاون مدیر اندیشکده جهانی سازی (CCG)

لی بوپژوهشگر مؤسسه تحقیقات استراتژیک توسعه شانگهای چونچو

«آن‌ها هر چقدر که بخواهند بجنگند، ما هم می‌جنگیم، تا زمانی که به پیروزی کامل برسیم!»

پس از آغاز دور جدید جنگ تعرفه‌ای آمریکا علیه چین در اوایل آوریل، ویدئویی از سخنرانی مائو تسه تونگ در سال 1953 به طور گسترده منتشر شد. مائونینگ، سخنگوی وزارت خارجه چین نیز این ویدئو را در شبکه اجتماعی X به اشتراک گذاشت و اظهار داشت: «ما چینی هستیم. از تحریک نمی‌ترسیم. عقب‌نشینی نخواهیم کرد.»

این سخنرانی تکان‌دهنده، همچنان مردم چین را در مواجهه با دشمنان قدرتمند به نبرد بی‌باکانه و پیشروی تشویق می‌کند. هم‌نشینی تاریخ و واقعیت نشان می‌دهد که فلسفه استراتژیک مائو تسه تونگ نه تنها در دوران جنگ‌های آتشین کاربرد داشت، بلکه در عرصه نبردهای نامرئی عصر جهانی‌سازی نیز جان تازه‌ای یافته است.

پخش زنده آکادمی گوان از وبسایت گوانچا، سرهنگ وانگ لی هوا از ارتش آزادی بخش خلق چین، گائو ژی کای، معاون مدیر اندیشکده جهانی‌سازی (CCG) و لی بو، رئیس مؤسسه تحقیقات استراتژیک توسعه شانگهای چونچو را دعوت کرد تا تحلیل کنند که چگونه اندیشه مائو تسه تونگ در عرصه نبرد تجارت بین‌المللی عصر جدید نمود و کاربرد پیدا می‌کند.

این متن، بخش اول متن گفت‌وگو است.

«ببر کاغذی»: چگونه جنگ تجاری جهانی ترامپ را بشناسیم؟

لی بو: سلام به بینندگان وبسایت گوانچا، من لی بو، رئیس مؤسسه تحقیقات استراتژیک توسعه شانگهای چونچو هستم. به پخش زنده آکادمی گوان با موضوع «چگونه با جنگ تجاری ترامپ مقابله کنیم - اندیشه مائو تسه تونگ» خوش آمدید.

پس از اعلام تعرفه‌های تلافی‌جویانه توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در دوم آوریل، جهان در بهت و حیرت فرو رفت. چین تنها کشوری پس از اتحادیه اروپا و کانادا بود که مستقیماً در برابر زورگویی بی‌منطق آمریکا ایستاد و پاسخ قاطع داد.

این اعتماد به نفس چین برای پاسخگویی، از یک سو ناشی از قدرت ملی و جایگاه تجاری جهانی است که در سال‌های اخیر به دست آورده‌ایم و از سوی دیگر، از خرد سیاسی فوق‌العاده‌ای که مائو تسه تونگ، بنیان‌گذار جمهوری خلق، در سال‌های جنگ انقلابی و دهه‌های اولیه پس از آزادی در مواجهه با شرایط وخیم بین‌المللی انباشته کرده است، سرچشمه می‌گیرد.

پخش زنده آکادمی گوان امروز افتخار میزبانی سرهنگ وانگ لی هوا از ارتش آزادی‌بخش خلق چین و گائو ژی کای، معاون مدیر اندیشکده جهانی‌سازی (CCG) را دارد. این دو کارشناس برای ما توضیح خواهند داد که چگونه می‌توان از اندیشه مائو تسه تونگ برای پیروزی در این جنگ تجاری خرد اندوخت. به هر دو استاد خوش‌آمد می‌گویم.

مائو تسه تونگ، رئیس‌جمهور فقید، زمانی گفت که شکستن افسانه غرب، موضوعی بسیار مهم است. برای مقابله با جنگ تجاری جهانی ترامپ، افکار عمومی آنلاین به طور گسترده به نظریه «ببر کاغذی» مائو اشاره کرده‌اند. بسیاری از بینندگان ما جوان هستند و شاید آن دوره از تاریخ را به خوبی ندانند. ابتدا از استاد وانگ لی هوا می‌خواهم که زمینه‌های تاریخی پیدایش این گزاره معروف، «همه مرتجعان ببر کاغذی هستند» را مرور کنند.

وانگ لی هوا: حزب و کشور ما ویژگی خاصی دارد؛ وقتی با مشکلات و فشارهای سنگین مواجه می‌شویم، همیشه به سخن مائو، رئیس‌جمهور، «همه مرتجعان ببر کاغذی هستند» فکر می‌کنیم. در واقع، مائو برای اولین بار این جمله را در اوت 1946 بیان کرد. در آن زمان، قصد داشتیم پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه ژاپن، کشوری را به طور مسالمت‌آمیز بسازیم و دولتی ائتلافی تشکیل دهیم، اما چیانگ کای‌شک نپذیرفت. بنابراین، چیانگ کای‌شک با حمایت آمریکا جنگ داخلی را آغاز کرد.

در این شرایط، این سؤال مهم مطرح بود که آیا می‌توانیم بر ارتش کومینتانگ که توسط آمریکا حمایت می‌شد، پیروز شویم یا خیر؟ در همین زمان، آنا لوئیس استرانگ، خبرنگار آمریکایی، با مائو دیدار کرد. در این دیدار، او پرسید اگر آمریکا از بمب اتمی استفاده کند، چه می‌شود؟

مائو پاسخ داد که بمب اتمی آمریکا ببر کاغذی است که برای ترساندن مردم ساخته شده است. سپس، او این مفهوم را گسترش داد و گفت «همه مرتجعان ببر کاغذی هستند». این «ببر کاغذی» ظاهری ترسناک دارد، اما در واقع قدرت چندانی ندارد. این دیدگاه اساسی مائو در آن زمان بود.

این دیدگاه پس از بیان شدن، تأثیر زیادی گذاشت، زیرا به ما تصویر بسیار واضحی از ماهیت دشمنانمان ارائه داد. پس از تأسیس چین جدید، با مشکلات گوناگونی مواجه شدیم. هر زمان که مشکلات بسیار بزرگ می‌شد، به ویژه زمانی که فشارهای دشمنان خارجی سنگین بود، مائو این موضوع را تکرار می‌کرد: «همه مرتجعان ببر کاغذی هستند».

امروز، وقتی به این موضوع فکر می‌کنیم، آیا مائو صرفاً با بیان «ببر کاغذی» مردم را از نظر روحی تشویق و آرام می‌کرد؟ از منظر تاریخ حزب، مائو برای بیان «ببر کاغذی» دلایل بسیار واقعی داشت. از نظر قدرت، قطعاً فاصله زیادی با دشمنانمان داشتیم، اما مائو آن‌ها را «ببر کاغذی» می‌دانست، عمدتاً از نظر وضعیت و ماهیت.

مائو به عنوان یک مارکسیست بزرگ و یک استراتژیست بزرگ، چگونه این وضعیت را درک می‌کرد؟ او معتقد بود که قدرتمندترین نیروها، مرتجعان گزافه‌گو هستند، زیرا آن‌ها نماینده عقب‌ماندگی، ارتجاع و اقلیت هستند، بنابراین در نهایت قدرتی ندارند.

اما ما نماینده پیشرفت، ترقی و مردم هستیم، بنابراین قدرتمند هستیم. در نهایت، قدرت در میان مردم است، بنابراین آن‌ها «ببر کاغذی» هستند. عمل نیز درستی این قضاوت مائو را ثابت کرد.

به عنوان مثال، در آغاز جنگ آزادی‌بخش، چیانگ کای‌شک با غرور فکر می‌کرد که می‌تواند کمونیست‌ها را در سه ماه شکست دهد. اما پس از سه ماه، نیروهایش متحمل خسارات سنگینی شدند. هدف حمله همه‌جانبه محقق نشد و کومینتانگ به حمله متمرکز تغییر جهت داد، یک مشت به شان‌دونگ و یک مشت به یانان. اما حمله متمرکز نیز شکست خورد. در نهایت، ما در عرض سه سال بر مرتجعان کومینتانگ پیروز شدیم.

لی بو: در سال 1946، نسبت قدرت بین کومینتانگ و کمونیست‌ها چگونه بود؟

وانگ لی هوا: ما بیش از یک میلیون نفر بودیم، در حالی که چیانگ کای‌شک بیش از چهار میلیون نفر، یعنی بیش از سه برابر ما نیرو داشت. علاوه بر این، تجهیزات او بسیار بهتر از ما بود. بنابراین،

در آن زمان، گفتن اینکه کومینتانگ «ببر واقعی» بود، اشتباه نبود، اما مائو آن‌ها را «ببر کاغذی» می‌دانست، زیرا آن‌ها مرتجع، عقب‌گرا، نماینده خواسته‌ها و منافع مردم نبودند و در نهایت شکست خوردند.

در جنگ مقاومت در برابر آمریکا برای کمک به کره پس از تأسیس چین جدید، ما به تنهایی در برابر ارتش متحد 17 کشور و برخی کشورهای حامی دیگر ایستادیم. می‌توان گفت که تقریباً همه کشورهای توسعه‌یافته غربی در آن زمان در جنگ شرکت داشتند. آن‌ها رجزخوانی می‌کردند که «تا یالو می‌رویم و برای کریسمس به خانه برمی‌گردیم». اما وقتی ما نیروهایمان را اعزام کردیم، در عرض کمتر از دو ماه، دو نبرد را پیروز شدیم، از خط 38 درجه عبور کردیم و در نهایت آمریکا را مجبور کردیم که پای میز مذاکره بنشیند.

در اواخر دهه 1950 و اوایل دهه 1960، دو ابرقدرت فشار زیادی بر ما وارد کردند. در آن زمان، مائو گفت: «برف ابرها را در زمستان می‌فشارد و گل‌ها در یک لحظه پژمرده می‌شوند.» در این شرایط، چگونه آن‌ها را ببینیم؟ مائو معتقد بود که آن‌ها هنوز «ببر کاغذی» هستند و چیز مهمی نیستند. در آن زمان، جمهوری تازه تأسیس شده بود و شرایط ما بسیار نامساعد بود. اما با تکیه بر خودکفایی و تلاش برای کمک‌های خارجی، توانستیم توسعه سریع ساخت سوسیالیستی را به دست آوریم. در نهایت، رئیس‌جمهور آمریکا به یک کشور سوسیالیستی که با آن رابطه دیپلماتیک نداشت، سفر کرد و روابط ما با کشورهای دیگر به تدریج بهبود یافت.

بنابراین، قضاوت مائو درست و مطابق با حقیقت بود. امروز نیز شرایط مشابهی داریم، بنابراین طبیعی است که به مفهوم «ببر کاغذی» فکر کنیم.

لی بو: ممنون استاد وانگ. استاد گائو، «ببر کاغذی» آن زمان با «ببر کاغذی» امروز بسیار متفاوت است و چین نیز بسیار قدرتمندتر شده است. رفتار «ببر کاغذی» امروز که جنگ تجاری جهانی را آغاز کرده است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

گائو ژی کای: من معتقدم که با استفاده از نظریه مائو تسه تونگ "همه مرتجعان ببر کاغذی هستند" برای بررسی جنگ تجاری که توسط رئیس‌جمهور ترامپ و دولت آمریکا علیه جهان به راه انداخته شده، از جمله جنگ تعرفه‌ای علیه چین، می‌توانیم به همان نتیجه برسیم: آمریکا یک "ببر کاغذی" است.

چرا این را می‌گوییم؟ اولاً، آمریکا اکنون با نادیده گرفتن همه چیز، تعرفه‌های سوءاستفاده می‌کند و جنگ تعرفه‌ای را علیه جهان به راه می‌اندازد. ترامپ این را "تعرفه‌های متقابل" می‌نامد، اما در واقع او اصلاً نمی‌تواند توضیح دهد که این تقابل در کجاست و بسیاری از مفاهیم مغشوش هستند. علاوه بر این، جنگ تعرفه‌ای فقط علیه چین نیست، بلکه علیه ده‌ها کشور است. اقدامات ترامپ ناعادلانه و ارتجاعی است. این مانند این است که او یک اسلحه را روی سر هر کشوری بگذارد و بگوید، شما باید از من اطاعت کنید، باید تسلیم شوید. او حتی می‌گوید، من جنگ تعرفه‌ای را علیه شما آغاز می‌کنم، شما حق مقابله ندارید. اگر مقابله کنید، مجازات‌های بیشتری را اعمال خواهم کرد و غیره.

البته، برخی از کشورها تحت فشار آمریکا، به دنبال راهی برای عبور از این وضعیت هستند و می‌خواهند از خسارات بزرگ جلوگیری کنند. بنابراین، آمریکایی‌ها اکنون فکر می‌کنند که هفتاد و چند کشور با من مذاکره می‌کنند و من به هدف خود رسیده‌ام و چین را منزوی کرده‌ام.

حتی برخی از آمریکایی‌ها می‌گویند که در واقع کشورهای دیگر فریب خورده‌اند، زیرا هدف اولیه آمریکا چین بود، اما من می‌خواهم جهان را بسیج کنم تا در جنگ تعرفه‌ای و جنگ اقتصادی آمریکا برای منزوی کردن چین شرکت کنند و با چین تا پای مرگ مبارزه کنند و غیره.

آمریکا ظاهراً بسیار قدرتمند است و می‌تواند با گذاشتن اسلحه روی سر هر کشوری، دیگران را مجبور به تسلیم کند. اما دلیل اصلی اینکه آمریکا یک "ببر کاغذی" است این است که اقدامات ترامپ اساساً اصول تجارت آزاد را نقض می‌کند. او می‌خواهد تجارت آزاد را سرنگون کند و منافع شخصی آمریکا را به جهان تحمیل کند.

رابرت لایتیزر، نماینده سابق تجاری آمریکا، کتابی با عنوان "هیچ تجارتی آزاد نیست" نوشته است، که به این معنی است که تجارت نباید آزاد باشد. من در مصاحبه‌های خارجی بارها و بارها تأکید کرده‌ام که تجارت غیرآزاد در واقع نشان‌دهنده ذهن غیرآزاد و روح غیرآزاد است، بنابراین شما تجارت را غیرآزاد می‌دانید.

اما برای کل بشریت، تجارت باید آزاد و برابر باشد. ظاهر دولت آمریکا پر سر و صدا و رجزخوانی می‌کند، اما در واقع از درون پوچ است، زیرا اصول اساسی تجارت آزاد و برابر را نقض می‌کند. از این نظر، چین اکنون نه تنها باید از منافع اقتصادی خود دفاع کند، بلکه مهم‌تر از آن، باید از تجارت آزاد و برابر محافظت کند، که نه تنها برای چین، بلکه برای همه کشورهای جهان و در واقع برای مردم آمریکا نیز مفید است.

از این نظر، با استفاده از نظریه کلاسیک مائو تسه تونگ "همه مرتجعان ببر کاغذی هستند"، ترامپ و دولت آمریکا امروز "ببر کاغذی" هستند، زیرا او مرتکب اشتباه بزرگی شده است، او می‌خواهد تجارت آزاد را نابود کند و با کل بشریت مخالفت کند.

چگونه بیماری "ستایش آمریکا" را درمان کنیم؟

لی بو: برخی نیز معتقدند که آمریکا بزرگترین اقتصاد جهان است و از سلطه دلار و سلطه نظامی برخوردار است. قدرت مصرف آمریکا تقریباً 13 درصد بازار جهانی و 14.7 درصد بازار صادرات مستقیم چین را تشکیل می‌دهد و سهم غیرمستقیم آن ممکن است بیشتر باشد. اگر ما مقابله کنیم، منجر به "جدایی" سخت و نتایج جدی خواهد شد، بنابراین برخی از "خیرخواهان" به چین توصیه می‌کنند که متوقف شود. نظر شما دو استاد در مورد درمان بیماری "دوست داشتن، ستایش و ترس از آمریکا" در این جنگ تجاری چیست؟

گائو ژی کای: آمریکا در ظاهر با اطمینان کامل و پیروزی قطعی جنگ تجاری را آغاز می‌کند، اما ما می‌توانیم مقیاس اقتصادی چین و آمریکا را مقایسه کنیم. طبق نرخ ارز رسمی، مقیاس اقتصادی چین کمتر از آمریکا است، اما دلیل اصلی آن این است که در دو سه سال اخیر، نرخ بهره فدرال آمریکا به 5.5 درصد رسیده است و اگرچه اکنون کمی کاهش یافته است، اما هنوز نزدیک به 5 درصد است، که پایدار نیست.

از آنجا که نرخ بهره فدرال بسیار بالا است، دلار قوی است. در حدود دو سال اخیر، یوان در برابر دلار حدود 17 تا 18 درصد کاهش یافته است. اگر نوسانات نرخ ارز را عادی کنیم، طبق نرخ ارز رسمی، مقیاس اقتصادی چین در واقع به حدود 75 درصد آمریکا رسیده است.

اما اگر بر اساس میانگین قدرت خرید محاسبه کنیم، مقیاس اقتصادی چین امروز حدود 130 درصد آمریکا است. علاوه بر این، در بسیاری از شاخص‌های مهم مانند تولید فولاد، تولید برق و تولید خودرو، چین در واقع بسیار جلوتر است. در بیش از 200 حوزه تولید صنعتی، تولید چین نه تنها بسیار بیشتر از آمریکا است، بلکه اغلب به بیش از نیمی از تولید جهانی می‌رسد.

بنابراین، اگرچه ما قصد نداریم جنگ تجاری را آغاز کنیم، اما اگر آمریکا ما را مجبور به جنگ کند، ما از قدرت کافی برخوردار هستیم. پایه اقتصادی ما بسیار محکم است، اما آمریکا نقاط ضعف زیادی دارد، این نکته اول است.

دوم، از سال 2017 و 2018، آمریکا همیشه فریاد می‌زند که می‌خواهد با چین "قطع رابطه" کند، آیا ما آماده نمی‌شویم؟ اگرچه او می‌گوید، من فقط می‌خواهم شما را بترسانم، یا می‌گوید، من واقعاً

نمی‌خواهم با شما "قطع رابطه" کنم و غیره. من می‌توانم باور نکنم که شما با من قطع رابطه می‌کنید، اما من قطعاً آماده‌سازی‌های کامل را انجام خواهم داد.

از سال 2017 تا کنون، چندین سال گذشته است و ما در سراسر کشور در حال آماده‌سازی بوده‌ایم و می‌خواهیم ببینیم که این کشور واقعاً چه ماهیتی دارد؟ آیا واقعاً می‌خواهید تجارت آزاد و برابر را نابود کنید؟ آیا واقعاً می‌خواهید نظم تجارت بین‌المللی فعلی را سرنگون کنید و غیره؟ ما نمی‌خواهیم جنگ تجاری و جنگ تعرفه‌ای را آغاز کنیم، اما ما آماده‌ایم.

نکته بسیار مهم دیگر این است که بسیاری از خارجی‌ها می‌گویند که چین این بار دچار مشکل شده است، توسط آمریکا منزوی شده است و آمریکا سایر کشورهای جهان را متحد می‌کند تا یک جبهه متحد قوی برای مبارزه با چین تشکیل دهند. چین سهم صادرات خود را در بازار آمریکا از دست می‌دهد و باعث بیکاری داخلی و تعطیلی کارخانه‌ها می‌شود و غیره. چگونه به این تردیدها پاسخ دهیم؟

در واقع، سهم بازار آمریکا آنقدرها که تصور می‌شود مهم نیست، زیرا ملت چین بیش از 5000 سال در این کره زمین زندگی کرده است و در بیشتر این مدت، آمریکا وجود نداشته است و ما به همان شکل زندگی کرده‌ایم.

بنابراین، اگر آمریکا می‌خواهد چین را مورد آزار و اذیت قرار دهد و سلطه خود را به ما تحمیل کند، ما آماده‌ایم تا برای دنیایی بدون آمریکا مبارزه کنیم و اطمینان داریم که می‌توانیم 5000 سال دیگر زندگی کنیم، این قدرت واقعی چین است.

این نکته می‌تواند برای همه مردم چین روشن‌کننده باشد، ما باید حقیقت را ببینیم، یعنی آمریکا یک "ببر کاغذی" است. آمریکا می‌خواهد تفرقه ایجاد کند، اما ما باید متحد شویم. او می‌خواهد کشورهای دیگر را مجبور کند که همدست او یعنی ضد چین، ضد چینی و مخالف چینی باشند، اما احتمالاً نمی‌تواند این کار را انجام دهد، زیرا هر کشوری عقل خود را دارد. با دیدن اینکه چین اکنون از تجارت آزاد دفاع می‌کند و آمریکا تجارت آزاد را نابود می‌کند، چه کسی حاضر است با آمریکا هم‌رنگ شود؟

وانگ لی هوا: اگرچه در گذشته ما امپریالیسم آمریکا و همه مرتجعان را "ببر کاغذی" می‌نامیدیم، اما از نظر قدرت، واقعاً بسیار قدرتمند بود. اکنون، ما دوباره می‌گوییم آمریکا "ببر کاغذی" است، اما این بار واقعاً همینطور است. حتی از نظر قدرت نیز، آمریکا اساساً یک "ببر کاغذی" است و دیگر آن

مزیت گذشته را ندارد. حتی اگر با غرور و تکبر ظاهر شود، ارزش و استحکام چندانی ندارد و از بنیان قدرت چندانی برخوردار نیست.

در سال 2024، تولید ناخالص داخلی آمریکا بر حسب دلار رشد سریعی داشت و 1.5 برابر ما بود. اما این تولید ناخالص داخلی بسیار متورم است؛ تا زمانی که قیمت‌ها بالا برود و دلار بیشتری چاپ شود، تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. تولید ناخالص داخلی تا حدی با قدرت مرتبط است، اما نمی‌تواند به طور کامل قدرت واقعی را منعکس کند.

اگر از زاویه دیگری به قدرت آمریکا نگاه کنیم، می‌توانیم ماهیت و چهره واقعی "ببر کاغذی" بودن آمریکا را ببینیم. تولید برق، نیروی محرکه توسعه اقتصادی است. تولید صنعتی مدرن بدون برق امکان‌پذیر نیست و بدون برق، توسعه و رشد تولید ممکن نخواهد بود. تولید برق بیشتر، رشد اقتصادی سریع‌تر خواهد بود؛ تولید برق کمتر، رشد کندتر خواهد بود.

در سال 2024، کل تولید برق چین 9.4 تریلیون کیلووات ساعت بود که معادل 2.2 تا 2.3 برابر کل تولید برق آمریکا است. تولید برق چین بسیار بیشتر از آمریکا است.

مصرف برق صنعتی بهتر می‌تواند مشکل را نشان دهد. بدون صنعت، نمی‌توان این همه محصول و ثروت تولید کرد و رشد احتمالاً یک رشد حبابی خواهد بود. مصرف برق صنعتی چین 6.5 برابر آمریکا است. شما می‌گویید ظرف شما بزرگتر از من است، چه کسی می‌تواند این را باور کند؟

برق یک ویژگی دیگر نیز دارد، یعنی هر چقدر تولید شود باید همانقدر مصرف شود و تولید، انتقال و مصرف برق باید در یک لحظه متعادل باشد. اگر بیشتر از نیاز تولید شود، نیروگاه‌ها باید مدار را قطع کنند و اگر کمتر تولید شود، کارخانه‌ها باید مدار را قطع کنند. این حجم عظیم تولید برق در چین نشان می‌دهد که میزان فعالیت کارخانه‌های ما و مقیاس تولید صنعتی ما بسیار بزرگ است و آمریکا هنوز فاصله زیادی با آن دارد.

نه تنها آمریکا فاصله زیادی دارد، بلکه مصرف برق صنعتی چین دو برابر مجموع مصرف برق صنعتی شش کشور صنعتی بزرگ جهان شامل آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، ژاپن و کره جنوبی است. ما با این حجم عظیم توانایی و ظرفیت تولید و با این سطح از توسعه نیروی مولده، دیگر از چه چیزی باید بترسیم؟

شاید هنوز هم کسانی بگویند که مصرف برق بالای چین ممکن است به دلیل مصرف زیاد انرژی و فناوری ضعیف باشد. اما من می‌خواهم به همه بگویم که در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های علمی و فناوری چین بی‌وقفه بوده است. به عنوان مثال، در زمینه نظامی، ارتش برای پیروزی در جنگ باید

مزیت همه‌جانبه از جمله در زمین، دریا، هوا، فضا، الکترونیک و فضای مجازی را به دست آورد. اگر ما در همه این زمینه‌ها مزیت داشته باشیم، نشان می‌دهد که ما قدرت و اطمینان برای پیروزی در جنگ را داریم.

در زمینه زمینی، چین از نظر مقیاس، فناوری و صادرات در زمینه قطارهای سریع‌السیر و خودرو در رتبه اول جهان قرار دارد. در زمینه دریایی، حجم کشتی‌سازی چین در جهان اول است و از فناوری پیشرو برخوردار است. در زمینه هوایی، پهپادها و جنگنده‌های ما از نظر مقیاس و فناوری در رتبه اول قرار دارند. اکنون هواپیماهای بزرگ نیز دیگر نمی‌توانند ما را محدود کنند، از جمله موتورهای احتراق مایل که اخیراً خبر آن منتشر شده است، چین در این زمینه نیز پیشتاز است.

در زمینه فضایی، سیستم ناوبری ماهواره‌ای بیدو ما از نظر مقیاس و فناوری در رتبه اول قرار دارد. ظرف دو سال آینده، ایستگاه فضایی چین به تنها ایستگاه فضایی جهان تبدیل خواهد شد و پروژه اکتشاف ماه ما و غیره در سطح جهانی پیشرو هستند.

حجم تولید برق ما نیز در جهان اول است و فناوری تولید برق ما شامل انرژی بادی، انرژی خورشیدی و انرژی هسته‌ای است. فناوری تولید برق همجوشی هسته‌ای چین در جهان پیشرو است؛ فناوری انتقال برق ما - ولتاژ فوق‌العاده بالا - بی‌نظیر، از نظر فناوری و مقیاس در رتبه اول قرار دارد.

شبکه 5G ما در سراسر کشور گسترده شده است، آیا آمریکا چنین چیزی دارد؟ ما در زمینه 6G به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته‌ایم و تلفن‌های همراه می‌توانند مستقیماً با ماهواره‌ها ارتباط برقرار کنند و حجم تولید تلفن‌های همراه ما بیش از نیمی از جهان را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، مدل‌های بزرگ هوش مصنوعی، غرب را با یک پیشرفت بنیادین مواجه کرده است. در زمینه‌هایی مانند رایانه‌های کوانتومی و ارتباطات کوانتومی که نماینده فناوری‌های پیشرفته جهان هستند، ما در خط مقدم قرار داریم.

از نظر تاکتیکی، آمریکا را یک "ببر واقعی" در نظر بگیرید

لی بو: با مقایسه این داده‌های واقعی، می‌توانیم ببینیم که امروز چین در بسیاری از زمینه‌ها از آمریکا پیشی گرفته است، اما ماو نیز گفته است که باید "از نظر استراتژیک دشمن را تحقیر و از نظر تاکتیکی دشمن را جدی بگیریم". بنابراین، بسیاری معتقدند که حتی اگر امروز آمریکا یک "ببر کاغذی" باشد، ما باید آن را به عنوان یک "ببر واقعی" در نظر بگیریم و با آن بجنگیم. استاد وانگ، به نظر شما چگونه باید از نظر تاکتیکی چنین "ببر واقعی" را جدی بگیریم؟

وانگ لی هوا: وضعیت امروز ما کاملاً با زمانی که مائو در آغاز جنگ مقاومت در برابر آمریکا برای کمک به کره قرار داشت، متفاوت است. به گفته مائو، در آن زمان ما "روحیه زیاد و فولاد کم" داشتیم و آمریکا "فولاد زیاد و روحیه کم". اکنون، "مقدار فولاد" قدرت ما بسیار بیشتر از آمریکا است. در چنین زمینه‌ای از قدرت، چرا هنوز بسیاری از مردم احساس می‌کنند که باید در برابر زورگویی و سرکوب چین توسط ترامپ زانو بزنند؟ یا نمی‌توانند با آمریکا بجنگند؟ در واقع، این به این دلیل است که آنها در روند توسعه، "روحیه" خود را از دست داده‌اند.

مائو در آن زمان به مردم کشورش توصیه کرد که داستان نترسیدن از ارواح را بخوانند. در این داستان، یک دانشجوی جوان به نام چن پنگ نیان وجود داشت که یک شب برای دیدن دوستش رفت. دوستش برای خرید شراب بیرون رفت تا از او به خوبی پذیرایی کند. او نشسته بود و منتظر دوستش بود که ناگهان یک روح زن حلق‌آویز از در وارد شد و مستقیماً با نیروی اهریمنی خود به او دمید. چن پنگ نیان فوراً احساس سرمای استخوان‌سوز کرد و به سرعت رو به مرگ رفت.

در این لحظه، او به این فکر کرد: "روح که نفس دارد، آیا من بی‌نفس هستم؟" روح می‌تواند با نفس به من حمله کند، آیا من نمی‌توانم با نفس به او حمله کنم؟ بنابراین، او با تمام قدرت نفس کشید و به روح دمید. در نتیجه، هر جا که نفس او به روح رسید، یک سوراخ در بدن روح ایجاد شد. او به دمیدن ادامه داد تا اینکه سرانجام سینه و شکم روح را پاره کرد و در نهایت سر روح را از بین برد و سپس روح ناپدید شد.

این یک داستان بسیار جالب است. در اینجا، روح نماینده فساد، عقب‌ماندگی و ارتجاع است، نماد تاریکی و شرارت است. او نفس دارد که به شما حمله کند، آیا ما نباید نفس داشته باشیم؟ ما نماینده عدالت هستیم و نه تنها باید نفس بکشیم، بلکه باید با نفس یانگ، نفس روشنایی و نفس عدالت حمله کنیم. ما می‌توانیم این روح را از بین ببریم، می‌توانیم بر "ببر کاغذی" و همه ارواح شیطانی پیروز شویم.

لی بو: استاد گائو، یک ویدئو از صحبت‌های شما در اینترنت وجود دارد که در آن به بریتانیا اشاره کردید و گفتید که بریتانیا اصلاً شایسته رقیب چین بودن نیست. پس از تماشای آن، احساس آرامش کردم. نظر شما در مورد "از نظر تاکتیکی باید دشمن را جدی بگیریم" که قبلاً گفتید، چیست؟ آیا آمریکا یک "ببر واقعی" است که شایسته توجه ما باشد؟

گائو ژی کای: در مقابله با این جنگ تعرفه‌ای بی‌سابقه که آمریکا علیه جهان به راه انداخته است، از نظر تاکتیکی، چین باید آن را جدی بگیرد، اما از نظر استراتژیک، باید آن را تحقیر کند.

ترامپ می‌گوید، ما باید تعرفه‌های بیشتری وضع کنیم تا آمریکا ثروتمندتر شود. اما او فراموش کرد به مردم آمریکا بگوید که چه کسی این تعرفه‌ها را پرداخت می‌کند؟ چین پرداخت نمی‌کند، اتحادیه اروپا پرداخت نمی‌کند و کشورهای آفریقایی و کشورهای آسیه آن نیز پرداخت نمی‌کنند، بلکه مردم آمریکا پرداخت می‌کنند.

بنابراین ترامپ می‌گوید، روزانه 2 میلیارد دلار تعرفه جمع‌آوری می‌کنم، که معادل این است که او مردم آمریکا را مجبور می‌کند روزانه 2 میلیارد دلار پرداخت کنند. ترامپ و دولتش به طور شرافتمندانه و اخلاقی به مردم آمریکا نگفته‌اند که متاسفم، این تعرفه‌ها را شما پرداخت می‌کنید و من شما را مجبور به پرداخت آن کرده‌ام.

از این نظر، ما باید به خوبی درک کنیم که آیا ترامپ و دولتش واقعاً "ببر واقعی" هستند یا "ببر تقلبی". ما باید توجه داشته باشیم که اولاً، "ببر تقلبی" را "ببر واقعی" تلقی نکنیم یا آن را به "ببر واقعی" تبدیل نکنیم. ثانیاً، "ببر واقعی" را با "ببر تقلبی" اشتباه نگیریم، این رابطه بسیار ظریف است.

به عبارت دیگر، از نظر تاکتیکی، ما حتماً باید آمریکا را به عنوان یک "ببر واقعی" در نظر بگیریم، اما از نظر استراتژیک باید آن را به عنوان یک "ببر کاغذی" ببینیم.

پس از آغاز جنگ تعرفه‌ای جهانی توسط ترامپ، بازار سهام، بازار اوراق قرضه و بازار ارز آمریکا سقوط کرد، مشکل اشتغال در وضعیت بحرانی قرار گرفت و بسیاری از جاها دچار مشکل شدند. مهم‌ترین چیز این است که کیفیت زندگی مردم آمریکا به شدت تحت تأثیر قرار گرفت.

بسیاری از مردم هنگام پرداخت صورتحساب متوجه می‌شوند که چرا اینقدر پول بیشتری از من گرفته‌اند؟ با دقت نگاه می‌کنند و می‌بینند که باید تعرفه پرداخت کنند. آیا مردم آمریکا حاضر خواهند بود با رضایت این مبلغ را پرداخت کنند؟ آیا آنها با رای خود اعتراض نخواهند کرد؟ در سال 2026، آمریکا انتخابات میان‌دوره‌ای خواهد داشت و در سال 2028 نیز انتخابات ریاست‌جمهوری بعدی آمریکا برگزار می‌شود. آیا حزب جمهوری‌خواه سال آینده به یک "دولت اردک لنگ" تبدیل خواهد شد؟ آیا حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری بعدی دوباره به کاخ سفید باز خواهد گشت؟

اقدامات ترامپ پر از عدم قطعیت است، زیرا او در واقع در حال اخاذی از سراسر جهان، از چین و از مردم آمریکا است. ترامپ در زمان فعالیت در معاملات املاک منهن، 6 بار ورشکست شد و بیش از 4000 پرونده قضایی داشت. هر کسی راه خود را می‌رود و با چنین فردی که رئیس جمهور آمریکا

می‌شود، او اکنون می‌خواهد جهان را به آشوب بکشد و با استفاده از چنین روش‌هایی پیروز شود و چین را بترساند، اما این یک خیال باطل است.

در مجموع، ما باید جای پای خود را محکم کنیم و به انجام کار درست پایبند باشیم. در این جنگ دفاع از تعرفه‌ها، دو نکته بسیار مهم است: اول، قاطعانه از حقوق مشروع و قانونی چین دفاع کنیم؛ دوم، قاطعانه از اصل مهم تجارت آزاد محافظت کنیم. من معتقدم که با انجام این دو کار، قطعاً می‌توانیم این "ببر کاغذی" آمریکا را شکست دهیم.

لی بو: پیش از این یک آمار نشان داد که پس از افزایش تعرفه‌های ترامپ، مردم عادی آمریکا به طور متوسط سالانه 3800 دلار بیشتر برای پرداخت تعرفه‌ها هزینه می‌کنند. البته در آن زمان، نسبت "تعرفه‌های متقابل" هنوز به این میزان بالا نرسیده بود و احتمالاً بر اساس 60 درصد محاسبه شده بود. اکنون با افزایش بیشتر تعرفه‌ها، پولی که مردم باید بپردازند بیشتر شده است.

ویژگی معاملات ترامپ پر از عدم قطعیت است، اما نباید تیم او را دست کم گرفت. به عنوان مثال، وزیر خزانه‌داری آمریکا، بسنت، چند روز پیش در مصاحبه‌ای در خارج از کشور فاش کرد که هدف او از طریق تعرفه‌ها، مجبور کردن متحدان آمریکا به مذاکره است تا در نهایت با آمریکا تجارت کنند و نه با چین، و چین را تا حد امکان منزوی کنند.

همچنین پیتر تیل، یکی از بزرگان سیلیکون ولی، ارتباط نزدیکی با معاون رئیس جمهور آمریکا، ونس، دارد. او چند روز پیش هنوز مردد بود و گفت که کالاهای تولید چین واقعاً خوب هستند و آمریکا به آنها وابسته است، اما از آنجا که چین و آمریکا رقبای سیستمی هستند، اجتناب از "جدایی" غیرممکن است. حتی اگر "جدایی" دردناک باشد، باید انجام شود.

اگرچه فقط بخش کوچکی از صنایع با سطح اتوماسیون بالا می‌توانند به آمریکا منتقل شوند، اما زنجیره تامین بخش‌هایی با سطح اتوماسیون پایین ممکن است به کشورهای دیگر منتقل شود، به شرطی که این کشورها از نظر حجم، نظامی و ایدئولوژیک به بزرگی چین نباشند و نتوانند آمریکا را تهدید کنند، کافی است.

این افراد واقعاً امیدوارند که چین و آمریکا "جدا" شوند، حتی اگر هزینه زیادی داشته باشد، و ترامپ فقط فردی است که دستورات را در صحنه عمومی صادر می‌کند. از این نظر، آمریکا هنوز کمی شبیه یک "ببر واقعی" است. استاد وانگ، به نظر شما چگونه باید از نظر تاکتیکی به این "ببر واقعی" آمریکا نگاه کنیم؟

وانگ لی هوا: این سوال درست مطرح شده است. ما از او نمی‌ترسیم، اما این به معنای دست کم گرفتن او نیست. شتر مرده هم از اسب بزرگتر است. آمریکا به هر حال یک کشور ابرقدرت جهانی است. و ترس نخبگان آمریکا از ظهور چین، یک امر مستمر بوده است و مهم نیست که جمهوری خواه یا دموکرات سر کار بیاید، همه برای سرکوب چین تلاش خواهند کرد.

ما باید هم بی‌قاعده بودن ترامپ را ببینیم و هم تفکر عمیق پشت آن را درک کنیم. این یک اراده مشترک طبقه حاکم است. بنابراین، ما نباید آن را به عنوان یک دیدگاه صرفاً سطحی و کم‌عمق در نظر بگیریم.

مائو در برخورد با حریفان خود، دشمنان مرتجع و همچنین نیروهایی که در آن زمان آمریکا برای سرکوب ما به کار می‌برد، همیشه دو جمله می‌گفت: هم باید آن را یک "ببر کاغذی" دید و هم باید آن را یک "ببر واقعی" دید. ما باید بر اساس چنین تحلیلی، استراتژی، تاکتیک و روش‌های خود را تعیین کنیم.

از یک طرف، از نظر استراتژیک، آنها "ببر کاغذی"، "ببر مرده" و "ببر توخالی" هستند و هیچ چیز ترسناکی ندارند. ما باید در این زمینه تفکر استراتژیک خود را بنا کنیم و از نظر استراتژیک همه دشمنان و همه نیروهایی که ما را سرکوب می‌کنند، تحقیر کنیم، شجاعانه مبارزه کنیم و پیروزی را به دست آوریم.

اگر در همان ابتدا از قدرت ظاهری دشمن بترسیم، قبل از جنگ شکست خورده‌ایم، بنابراین باید اعتماد به نفس برای پیروزی را ایجاد کنیم. این اعتماد به نفس ناشی از تحلیل ماهیت دشمن و ماهیت حریف و مشکلات از نظر استراتژیک است.

از طرف دیگر، ما باید ببینیم که مشکلات و حریف پیش رو یک "ببر واقعی" است که می‌تواند آدم بخورد، مشکلات زیادی برای شما ایجاد کند و مشکلات اقتصادی بسیاری را به وجود آورد. باید از این دیدگاه تفکر استراتژیک و تاکتیکی خود را بنا کنیم و در هر مسئله خاصی، حریف را جدی بگیریم، رویکرد محتاطانه‌ای اتخاذ کنیم و به هنر مبارزه توجه کنیم تا در نهایت پیروز شویم.

این تفکر اساسی مائو بود و امروز نیز همینطور است. اولاً، ما نباید بترسیم. اگر بترسیم، دیگر نیازی به جنگیدن نیست، خودمان تسلیم می‌شویم و شکست می‌خوریم. از طرف دیگر، برای به دست آوردن پیروزی، باید حریف را به طور جدی تحلیل کنیم، نقاط قوت و ضعف او را بشناسیم، آمادگی‌های کامل را انجام دهیم و بدون آمادگی و بدون اطمینان نجنگیم.

پیشرفت‌های صنعتی، پیشرفت‌های علمی و فناوری و پیشرفت در شکستن پروژه‌های "گردن‌گیری" که قبلاً به آنها اشاره کردیم، ناشی از دوراندیشی ما است. پس از هجدهمین کنگره ملی حزب، ما شیوه توسعه قدیمی را تغییر دادیم، مفهوم توسعه جدید را اجرا کردیم و توسعه را با نوآوری هدایت کردیم. پس از بیش از ده سال تلاش، در بسیاری از زمینه‌هایی که قبلاً آمریکا می‌توانست ما را تحت فشار قرار دهد، پیشرفت‌های نسبتاً بزرگی حاصل شده است.

علاوه بر این، ما باید نیروهای خود را متمرکز کنیم تا نبردهای تعیین‌کننده را به پیش ببریم، دشمن را به شدت ضربه بزنیم، به نقاط ضعف او حمله کنیم و نقاط حساس او را هدف قرار دهیم. شما نمی‌توانید همیشه اجازه دهید او به شما خسارت و مشکل وارد کند. بنابراین ما نیز باید نقاط حساس او را تحت فشار قرار دهیم تا از درگیری‌های طولانی‌تر جلوگیری کنیم.

این بار حزب و دولت ما یک سری اقدامات قاطعانه انجام دادند و ترامپ از این وضعیت سود نبرد. به عنوان مثال، ما واردات محصولات کشاورزی آمریکا را محدود کردیم. در اصل، کشاورزان آمریکایی از ترامپ حمایت می‌کردند و با رای دادن به او امیدوار بودند که سود ببرند، اما ترامپ آنها را فروخت و اکنون آنها اساساً در وضعیت ناامیدی قرار دارند.

به عنوان مثال، ما صادرات فلزات کمیاب را محدود کردیم و مشکلات بزرگی برای صنایع نظامی و صنایع پیشرفته آمریکا ایجاد کردیم. به عنوان مثال دیگر، ما ساخت سیستم پرداخت‌های فرامرزی یوان را تسریع کردیم. آیا آمریکا قدرت مالی دارد؟ ما با اقدامات عملی، کشورهای جهان را به تجارت عادلانه و تجارت آزاد تشویق می‌کنیم. اینها بسیار قدرتمند هستند.

ما باید در مورد هر اقدام خود عمیقاً فکر کنیم، نقاط ضعف او را درک کنیم و نیروهای خود را برای نبردهای تعیین‌کننده متمرکز کنیم. در نهایت ترامپ را متقاعد کنیم که راه اشتباه را ترک کند و هر چه زودتر این اقدامات بی‌منطق را متوقف کند. این نه تنها برای چین، بلکه برای فراهم کردن شرایط خوب برای تجارت آزاد جهانی نیز مفید است.

مائو زمانی گفت: «امپریالیست‌های آمریکایی بسیار مغرور هستند و هر جا که بتوانند بی‌منطق باشند، حتماً بی‌منطق خواهند بود. اگر کمی منطق نشان دهند، آن هم از روی ناچاری است.» ما دقیقاً از طریق اقدامات هدفمند و به موقع، او را وادار می‌کنیم که در مقابل جهان منطقی رفتار کند و به قوانین پایبند باشد.